

Investigating the Construction of Possession in Iranian Deaf Sign Language (Tehrani variant)

*Fayazi L¹, Raqibdust S², Modarresi G², Jalilevand N³

Author Address

1. PhD student of general linguistics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;

2. Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran;

3. Associate Professor, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

*Corresponding Author Email: leilafayazi@rocketmail.com

Received: 2023 May 21; Accepted: 2023 June 27

Abstract

Background & Objectives: The Iranian deaf people use sign language in their interactions, a natural language that uses linguistic tools for encoding different concepts. There needs to be more evidence about the history of sign language in Iran, and few studies have been done so far. The sign language of Iran has been variously named by both hearing and deaf users, commonly called Zaban Eshareh Irani (ZEI). This research aimed to investigate the construction of possession in Iranian deaf sign language (Tehrani variant).

Methods: The research method in this research was qualitative and content analysis type. The study was descriptive (qualitative) and was based on the theoretical framework of the cross-linguistic research of Zashen & Pernis (2008), entitled Sign Language Typology: Possession and Existentials. The research participants, selected based on the purposeful sampling method, included seven congenitally profoundly deaf adults (4 women and three men) living in Tehran who had hearing aids and were 35-40 years old. All except one individual were employed, while the remaining was a student. Everyone in the group possessed literacy skills, ranging from diploma holders to PhD students in linguistics. They were introduced to sign language from an early age and regularly used the Tehrani variant of Iranian sign language in the family and social settings. All of these subjects could understand the spoken Persian language and understand and express it in writing. An interpreter and a sign language consultant were present at all stages of the research. The main method of data collection in this research was "observation" In order to collect data, the language behaviors of the signers during the presentation of linguistic stimuli were observed and video recorded. Linguistic stimuli (4 games and some pictures) of research were designed to not depend on culture and have a simple implementation method. Also, a targeted watching of films in Iranian sign language was carried out to obtain more spontaneous data. These data can be found in virtual social media such as Telegram and Instagram. About 120 minutes of Iranian Sign Language (Tehrani variant) were obtained for analysis. The data were entered into the ELAN software program for analysis.

Results: The data analysis showed that in Iranian sign language (Tehrani variant), possession marking can be seen as nominal and predictive possession (have & belong). This language uses personal and common pronouns in possessiveness without gender distinction. In this language, there are no special paradigms of possessive pronouns. Iranian sign language (Tehrani variant) does not use the obvious possession marking in the nominal possessive. The dominant word order in nominal possession is possessed-possessor (except in the relationship between part and whole). The Have-construction has the word order of possessor-possessum-predict, and the belong-construction has the order of possessum-Male-possessor-predict (the relative verbs can be omitted). In Iranian sign language, existential particles are used in the concept of possession. However, signs whose original meaning is related to "taking" or "grabbing" are not used for possession. Predicative quantifier/modifier construction could be found in Iranian sign language. Some further information is given about the possessed item, such as its quantity or some adjectival information; there is no overt sign expressing the possessive relationship. Also, being alienable, inalienable, animate, inanimate, concrete or abstract possession does not make a difference in the main construction of nominal possession and the have-construction, which is opposed to the belong- constructions, Because belong-construction are not used for kinship words (such as one's children), abstract concepts (such as time) or diseases and body parts. Spatial marking in possessive and existential constructions and possessive NPs were seen in different forms in this language.

Conclusion: In general, this research showed that Iranian Deaf sign language (Tehrani variant) has its grammatical structure in possession and can be recognized as a natural language. The results of the present study will be helpful for language planning, compiling textbooks and teaching sign language, linguistic research and presentation or explanation of linguistic theories. It is also helpful in expanding the scope of sign language linguistics in the fields of possession.

Keywords: Deaf, Iranian sign language, Tehrani variant, nominal possession, predictive possession.

بررسی ساخت مالکیت در زبان اشاره ناشنویان ایرانی (گونه تهرانی)

*لیلا فیاضی بارجینی^۱، شهلا رقیب دوست^۲، گلناز مدرسی قوامی^۲، ناهید جلیله‌وند^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

۳. دانشیار گروه آسیب‌شناسی گفتار و زبان، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

*رایانامه نویسنده مسئول: leilafayazi@rocketmail.com

تاریخ دریافت: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۶ تیر ۱۴۰۲

چکیده

زمینه و هدف: زبان اشاره زبان طبیعی ناشنویان ایرانی است و دارای ابزارهایی زبانی برای رمزگذاری مفاهیم مختلف است. هدف این پژوهش بررسی ساخت مالکیت در زبان اشاره ناشنویان ایرانی (گونه تهرانی) بود.

روش‌بررسی: این پژوهش به روش کیفی و از نوع تحلیل محتوایی با الگوبرگشتی از روش پژوهش‌های بین‌زبانی زشن و پرنیس (۲۰۰۸) بود. هفت بزرگسال ناشنای عمیق و مسلط به زبان اشاره ایرانی (گونه تهرانی) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. یک مترجم و مشاور زبان اشاره در تمام مراحل پژوهش حضور داشت. برای جمع‌آوری داده‌ها، رفتارهای زبانی اشاره‌گران، هنگام ارائه محرک‌های زبانی (نوشتار، تصویر و بازی) مشاهده شده و به شکل ویدیویی ضبط گردید. همچنین به‌منظور دست‌یابی به داده‌های خودآنگیخته، تماشای هدفمند فیلم‌هایی به زبان اشاره ایرانی انجام شد. داده‌ها با برنامه نرم‌افزاری ELAN تحلیل شدند.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که مفهوم مالکیت، هم به‌صورت انتسابی (ضمیری و اسمی) و هم گزاره‌ای (ساخت‌های داشتن، تعلق داشتن) نشانه‌گذاری می‌گردد. همچنین از نشانه‌گذاری فضایی برای نشان‌دادن روابط ملکی استفاده می‌شود. در این زبان، صیغگان ضمائر جداگانه‌ای برای مالکیت وجود ندارد. ترتیب واژه‌ها در گروه اسمی مالکیت، مایملک-مالک است (به‌عبارت رابطه جزء به کل). همچنین بر مبنای یافته‌ها، تفاوتی میان انتقال‌پذیری، انتقال‌ناپذیری، جاننداری، غیرجاننداری، عینی یا انتزاعی بودن مایملک در ساخت مالکیت اسمی و ساخت پایه داشتن برخلاف ساخت تعلق‌داشتن وجود نداشت. ساخت وجودی در این زبان در مفهوم مالکیت به کار می‌رود.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان داد که زبان اشاره ناشنویان ایرانی (گونه تهرانی) در حوزه مالکیت، مانند هر زبان طبیعی دیگر دارای ابزارهای زبانی برای بیان مفهوم مالکیت است.

کلیدواژه‌ها: زبان اشاره ایرانی، ناشنویان، گونه تهرانی، مالکیت انتسابی، مالکیت گزاره‌ای.

ناشنوایان دارای فرهنگ و زبان خاص خود هستند که به‌طور طبیعی در جامعه‌ی ناشنوایان ایران تحول یافته است و انتظار می‌رود مانند هر زبان دیگری بتواند مفهوم و روابط مالکیت را رمزگذاری زبانی کند. از پژوهش‌های محدود و بسیار مهم انجام گرفته در جهان، در حوزه مالکیت، پژوهش زشن و پرنیس برای حدود ۲۶ زبان اشاره است (۱۰). بر مبنای جستجوهای انجام گرفته در منابع مختلف داخلی و خارجی، هیچ‌گونه پژوهش مستقلی درباره چگونگی ساخت مالکیت زبان اشاره ایرانی صورت نگرفته است. زشن در گزارشی در سال ۲۰۰۷، از زبان اشاره ایرانی به‌عنوان زبانی که از ادات وجودی^{۱۶} در ساخت مالکیت استفاده می‌کند، نام برده است (۹). در ایران تنها در دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد نظراتی در این زمینه طرح شده است. قهری برای ساخت مالکیت در زبان اشاره ایرانی، اشاره جداگانه‌ای قائل نمی‌شود (۱۲)؛ گیتی و سیاوشی مطابق با نتایج پژوهش خود علائم غیردستی (حالت چشم‌ها، بالابردن ابروها و حرکت سر) را در نسبت دادن مالکیت چیزی به شخص، رایج و دارای اهمیت می‌دانند. همچنین به‌نظر گیتی و سیاوشی، گاهی ترتیب ملکی در زبان اشاره ایرانی برعکس زبان فارسی است و نیاز به مطالعه بیشتر را توصیه می‌کنند (۱۳).

پژوهشگرانی مانند زشن و پرنیس معتقدند، مقوله‌های زبانی که برای توصیف مالکیت در زبان‌های گفتاری به کار می‌روند، می‌توانند برای تحقیق درباره زبان‌های اشاره نیز ثمربخش باشند (۱۰). با وجود این، تا به امروز، بیشتر توصیف‌ها و تحلیل‌های زبانی مربوط به مفاهیم مالکیت به زبان‌های گفتاری محدود و زبان‌های اشاره کمتر مورد توجه بوده‌اند؛ زبان اشاره ایرانی هم از این امر مستثنی نیست. این درحالی است که تحلیل زبان‌شناختی^{۱۷} جنبه‌های مختلف زبان‌های اشاره برای تفهیم و تفاهم متقابل، هماهنگی ارتباطی بین ناشنوایان، معلمان و مترجمان زبان اشاره در استفاده از اشارات، آموزش زبان اشاره، تدوین برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی، اجرای پژوهش‌های زبانی و ارائه یا تبیین نظریه‌های زبانی و غیره، یک ضرورت است. افزون بر آن، سابقه دو دهه کار یکی از نگارندگان به‌عنوان گفتاردرمانگر در مدارس ویژه ناشنوایان با این نگرش همراه بود که پیچیدگی مسائل آموزش ناشنوایان، حاکم بودن نگرش‌های نادرست در محافل آموزشی، مشکلات دانش‌آموزان ناشنوا در یادگیری زبان فارسی (گفتاری و نوشتاری)، نبود محتوا و اطلاعات مناسب در آموزش زبان اشاره به ناشنوایان، معلمان و غیره را می‌توان به کمبود پژوهش در این حوزه نسبت داد. از این رو گسترش دامنه پژوهش در حوزه زبان‌شناسی زبان اشاره ایرانی، برای پاسخ به نیازها و حل مشکلات گفته‌شده ضروری است تا برای جامعه ناشنوای ایرانی فرصت دستیابی به دستور زبانی مستند و دریافت گسترده‌تر آموزش‌های این زبان فراهم گردد. همچنین انتقال دانش بین محققان زبان اشاره ایرانی و سایر زبان‌های اشاره

همه فرهنگ‌ها، مستقل از ارزشی که برای متعلقات مادی قائل هستند، از ابزارهای زبانی و شیوه‌های متفاوتی برای مفهوم‌سازی و بیان مالکیت^۱ و روابط ملکی^۲ استفاده می‌کنند (۱). رابطه ملکی می‌تواند یک تعریف گسترده و کلی از مالکیت باشد بین یک عنصر یا هستار^۳ در تملک یعنی مایملک^۴ (امکانات عینی مانند اتومبیل و همچنین انتزاعی‌ها، مانند دانش و جایگاه اجتماعی) و فرد یا هستاری که مالکیت آن عنصر را دارد یعنی مالک^۵ (۲). مفاهیم مختلف مالکیت (یعنی تملک، روابط کل-جزء و روابط خویشاوندی) را در ساخت‌های زبانی^۶ می‌توان به دو صورت بیان کرد. در صورت اول، رابطه بین مالک و مایملک به‌صورت گروه^۷ و نه جمله/بند کامل بیان می‌شود و در نوع دوم، رابطه این دو مشارک با جمله بیان می‌گردد؛ اولی را مالکیت اسمی^۸/انتسابی^۹ و گونه دوم را مالکیت گزاره‌ای/مالکیت محمولی^{۱۰} می‌نامند (۳). عناصر در تملک را می‌توان برای مالک، انتقال‌ناپذیر یا انتقال‌پذیر دانست. مالک به‌طور پیش‌نمونه‌ای^{۱۱} انسان است (مانند خانه مرد)، اما ممکن است غیرانسان و جاندار نیز باشد؛ جاندار مانند: گوش‌های سگ و بی‌جان مانند: شاخه‌های درخت. مایملک‌های انتقال‌پذیر آن‌هایی هستند که می‌توان رابطه مالکیت با آن‌ها را پایان داد (مثلاً از طریق عدم وجود، فروش یا سرقت). در مقابل، مایملک‌های انتقال‌ناپذیر مانند روابط خویشاوندی و اعضای بدن ذاتاً و دائماً در مالکیت قرار دارند (۴).

مفهوم مالکیت با ابزارهای زبانی خاصی در زبان‌های گفتاری و زبان‌های اشاره^{۱۲} بیان می‌شود. زبان‌های اشاره زبان‌های طبیعی انسانی هستند که به روش دیداری-ایمایی^{۱۳} به کار می‌روند. برخلاف الگوهای صوت‌شناسی منتقل شده به صورت صوتی در گفتار، زبان اشاره برای بیان روان افکار گوینده با ترکیب همزمان اشکال دست، جهت‌گیری و حرکت دست‌ها، بازوها یا بدن و حالات چهره همراه است (۵). زبان‌های اشاره نه زبان‌هایی ابتدایی‌اند و نه اشکال «جهانی» ارتباط (۶). آن‌ها توانایی خلق هر آنچه را که در زبان‌های گفتاری امکان‌پذیر است، دارا می‌باشند و مانند زبان‌های گفتاری ممکن است بر اثر به‌کارنرفتن از بین بروند؛ همچنین می‌توان آن‌ها را به‌عنوان زبان دوم آموخت (۷).

به گزارش سازمان بهداشت جهانی^{۱۴}، در حال حاضر بیش از یک‌ونیم میلیارد نفر (نزدیک به ۲۰ درصد جمعیت جهان) با کم‌شنوایی زندگی می‌کنند. ۴۳۰ میلیون نفر از آن‌ها کم‌شنوایی ناتوان‌کننده^{۱۵} دارند. این رقم می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ به بیش از دوونیم میلیارد برسد (۸). همچنین، فیروزبخت و همکاران در بررسی شیوع ناشنوایی نوزادان در مرکز استان‌های کشور میزان شیوع را ۷/۴ در هزار اعلام کردند (۹). به‌این‌ترتیب، می‌توان گفت که ناشنوایان در ایران مانند سایر کشورهای دنیا تعداد قابل توجهی از یک اقلیت زبانی را تشکیل

^{۱۰} Predicative possession^{۱۱} Prototypically^{۱۲} Sign languages^{۱۳} Visual-gestural communication^{۱۴} World Health Organization (WHO)^{۱۵} Disabling hearing loss^{۱۶} Existential particles^{۱۷} Linguistic analyze^۱ Possession^۲ Possessive relationships^۳ Entity^۴ Possessee^۵ Possessor^۶ Language constructions^۷ Phrase^۸ Nominal construction^۹ Attributive possession

جهان بیش از پیش صورت گیرد. ازسویی دیگر بررسی مطالعات داخل کشور نشان داد که پژوهش مستقلی درباره توصیف چگونگی نشان دادن مفهوم مالکیت در زبان اشاره ایرانی صورت نگرفته است؛ بنابراین این پژوهش با هدف بررسی ساخت مالکیت در زبان اشاره ناشنوایان ایرانی (گونه تهرانی)¹ انجام شد.

2 روش بررسی

این پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی-کاربردی، به شیوه توصیفی و از نوع کیفی با تحلیل محتوایی بود. طرح کلی این پژوهش بر مبنای پژوهش های بین زبانی زشن و پرنیس است که در انسیتو مکس پلانک² هلند درباره ۲۶ زبان اشاره از سراسر دنیا انجام شده است (۱۰).

جامعه آماری این پژوهش را بزرگسالان ناشنوای ساکن در شهر تهران که از زبان اشاره ایرانی به طور روزانه استفاده می کردند، تشکیل دادند. ۷ هفت بزرگسال ناشنوای عمیق براساس روش نمونه گیری هدفمند،

برای این پژوهش انتخاب شدند. روش اصلی گردآوری داده های مربوط به مقوله مالکیت زبان اشاره ایرانی «مشاهده» بود. پژوهشگران در مرحله اول از محرک های بازی و تصویر به منظور مشاهده رفتارهای زبانی و تعاملات ارتباطی آزمودنی ها استفاده کردند. تعداد بازی ها چهارتا بود که با دو بازیکن اجرا می شدند. این بازی ها در پژوهش زشن و پرنیس استفاده شدند. طراحی این بازی ها به گونه ای صورت گرفته است که وابسته به فرهنگ نبوده و دارای روش اجرای ساده ای باشند (۱۰). هدف از اجرای این بازی ها، شناسایی انواع ساخت های مالکیت مطابق الگوی پژوهشی زشن و پرنیس در زبان های اشاره از جمله زبان اشاره ایرانی بود. معمولاً هنگام بازی، افراد بر قواعد بازی تمرکز کرده و به شکل طبیعی تری تعامل برقرار می نمایند و زبان اشاره ای را که به کار می برند به زبان طبیعی ناشنوایان نزدیک تر است. این چهار بازی عبارت بودند از: بازی درخت فامیلی³، بازی مقایسه تصاویر، بازی پزشک-بیمار و بازی تطابق تصاویر. شیوه اجرای هر کدام از بازی ها در جدول ۱ به اختصار توضیح داده شده است.

جدول ۱. معرفی محرک های زبانی بازی برای گردآوری داده برگرفته از زشن و پرنیس ۲۰۰۸

عنوان بازی	شرح بازی
درخت فامیلی	در این بازی، تصویری از شجره نامه خانوادگی (درخت فامیلی) به نوبت در اختیار یکی از آزمودنی ها قرار می گیرد. یک آزمودنی از آزمودنی دیگر درباره افراد خانواده اش (مانند خواهر، برادر یا والدینش) سؤال می کند و براساس توضیحات وی، چند نسل یک شجره نامه خانوادگی را تکمیل می کند.
پزشک-بیمار	در این بازی، دو آزمودنی به عنوان پزشک و بیمار ایفای نقش می کنند؛ کارت هایی برای بیان علائم بیماری و ثبت آن ها در اختیارشان قرار می گیرد. یک آزمودنی (در نقش پزشک) با پرسیدن سؤال درباره علائم بیماری آزمودنی دیگر (در نقش بیمار)، بیماری او را تشخیص می دهد.
مقایسه تصویر	در این بازی چهار جفت تصویر که دوهو با هم تفاوت هایی دارند، وجود دارد. به هر شرکت کننده تصویری داده می شود که دیگری نمی تواند آن را ببیند؛ سپس، از آن ها خواسته می شود تا تفاوت بین این دو تصویر را با استفاده از جملات سؤالی و خبری پیدا کنند و بازی را جلو ببرند؛ مانند: در عکس من، خانمی هست که کلی را حمل می کند، خانم عکس تو گل دارد؟
تطابق تصویر	در این بازی یکی از آزمودنی ها از دیگری می خواهد با مشاهده مجموعه تصاویری از اشیا و افراد، نشان دهد که کدام شیء می تواند به هر یک از افراد در تصویر مربوط باشد. پس از آن، از آزمودنی خواسته می شود دلیل انتخاب خود را بیان کند و توضیح دهد که چرا میان آن دو تصویر شیء و فرد تطابق برقرار نموده است و در واقع، شیء یا وسیله خاصی را برای آن فرد خاص در نظر گرفته است.

از آزمودنی ها در یک تا دو جلسه با دوربین تلفن همراه و آپید ۶ (۲۰۱۸) فیلمبرداری صورت گرفت. همچنین از یک مترجم زبان اشاره به منظور تعامل بهتر و اطمینان از درک درست دستورالعمل ها برای گردآوری داده ها، در این جلسات کمک گرفته شد. در مجموع حدود صد دقیقه فیلم از زبان اشاره ایرانی برای تجزیه و تحلیل به دست آمد. این داده ها برای تفسیر و بررسی دقیق تر وارد برنامه نرم افزاری ELAN⁴ شدند. این نرم افزار در موسسه روان شناسی زبان ماکس پلانک با هدف پی ریزی پایه ای دقیق برای حاشیه نویسی، نشانه گذاری و بهره برداری از داده های ضبط شده چند رسانه ای طراحی و ساخته شده است.

3 یافته ها

در پژوهش حاضر، هفت بزرگسال با ناشنوای عمیق مادرزادی شرکت داشتند. ویژگی های دموگرافیک شرکت کنندگان شامل جنس، سال تولد، میزان تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل و شنوایی، نوع شنیدافزار، وجود خویشتن ناشنوا، محل زندگی، زبانی که با آن ارتباط دارند و وضعیت ارتباط شفاهی، در جدول ۲ آورده شده است. مطابق جدول ۲،

نگارندگان برای گردآوری محرک های تصویری، از مجموعه کتاب های زبان آموزی و جمله سازی و نگارش، ویژه دانش آموزان ناشنوا در مقطع ابتدایی استفاده کردند. در انتخاب تصویرها، انواع ساخت های مالکیت در زبان فارسی مدنظر قرار گرفت. در نهایت، تعداد سه تصویر به عنوان محرک های تصویری پژوهش انتخاب شدند. وضوح تصاویر برای نشان دادن مفهوم مالکیت بسیار بالا بوده و ساده، ملموس و گویا بودن آن ها برای دانش آموزان ناشنوا توسط متخصصان ناشنوا در سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور تأیید شده است. در مرحله دوم مشاهده فیلم هایی درباره موضوعات مختلف به زبان اشاره ایرانی صورت گرفت که به منظور اطمینان از صحت داده ها و دستیابی به داده های خودانگیخته بیشتر، انجام شد. این فیلم ها همراه با زیرنویس یا بازگویی گفتاری بودند و در رسانه های اجتماعی مجازی مانند تلگرام و اینستاگرام یافت می شوند. در این پژوهش لازم بود از فرد/افرادی که زبان شناس زبان اشاره باشند و/یا زبان اشاره محیط خود را بسیار خوب بدانند و/یا سابقه همکاری با اشاره گران بسیار ماهر داشته اند، کمک و مشورت گرفته شود؛ بنابراین، دو مشاور در همه مراحل اجرای پژوهش حضور داشتند.

¹ در ادامه این مقاله هر جا که از زبان اشاره ایرانی یاد می شود، مقصود گونه تهرانی است مگر آنکه در متن مشخص شود.

² Max planck institute

³ TREE FAMILY
⁴ EUDICO (European Distributed Corpus Project) Linguistic Annotator

این افراد در رده سنی ۴۰-۳۵ سال، باسواد (مقطع دیپلم تا دانشجوی دکتری زبان‌شناسی) و دارای سمعک (۴ زن و ۳ مرد) بودند. شرکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه از انجمن‌ها و کانون‌های ناشنوایان شهر تهران در این پژوهش، شرکت کردند. همه این افراد از سنین پایین

در معرض زبان اشاره قرار گرفته بودند و تسلط کامل به زبان اشاره ایرانی (گونه تهرانی) داشتند. همچنین، فرد یا افراد ناشنای دیگری، در خانواده پنج نفر از آنان وجود داشت و شش نفر از آن‌ها در مدارس استثنایی ویژه ناشنوایان تحصیل کرده بودند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

آزمودنی‌ها	جنس	سال تولد	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	وضعیت شنوایی	نوع شنیدافزار	خویشاوند	محل زندگی	زبان	وضعیت ارتباط شفاهی
۱- س	زن	۱۳۶۵	دانشجوی دکتری زبان‌شناسی	مدرس زبان اشاره و مترجم (زبان اشاره)	مجرد	ناشنوا	سمعک	ندارد	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی (زبان اشاره ایرانی)	مناسب
۲- گ	زن	۱۳۶۲	کارشناس ارشد رشته هنر و آشنا با مباحث زبان‌شناسی	کارمند	متاهل (همسر و فرزند ششوا دارد)	ناشنوا	سمعک	پدر و برادر	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی	نامناسب (نیاز به مترجم)
۳- ش	زن	۱۳۵۰	کارشناس رشته گرافیک	آموزگار مدرسه ناشنوا (درس هنر)	متاهل (فرزند ششوا دارد)	ناشنوا	سمعک	همسر و خواهر	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی	مناسب
۴- ب	زن	۱۳۶۲	کارشناس رشته هنر	کارمند (شهرداری)	متاهل (دو فرزند ششوا دارد)	ناشنوا	سمعک	همسر، پدر، مادر و خواهر	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی	نامناسب (نیاز به مترجم)
۵- آ	مرد	۱۳۵۹	دانشجوی کارشناسی رشته عکاسی تبلیغات	شاغل نیستند	مجرد	ناشنوا	سمعک	ندارد	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی	نامناسب (نیاز به مترجم)
۶- د	مرد	۱۳۵۴	دیپلم فنی	آزاد در زمینه الکترونیک	متاهل (دو فرزند ششوا دارد)	ناشنوا	سمعک	همسر	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی	نامناسب (نیاز به مترجم)
۷- ک	مرد	۱۳۵۹	فوق‌دیپلم	آزاد	متاهل	ناشنوا	سمعک	همسر، برادر و اقوام	تهران	فارسی (گفتاری و نوشتاری) و اشارانی	نامناسب (نیاز به مترجم)

از ضمایر ملکی در این زبان اشاره مشاهده نشد. این ضمایر با اشاره کردن به بخش‌های مختلف فضای اشاره^۱ برای نشان دادن اول، دوم و سوم شخص مفرد و جمع، اجرا می‌شوند؛ به عنوان مثال، ضمایر جمع می‌توانند با تکرار شکل مفرد در چندین محدوده و بُعد فضایی خاص یا با ترکیب اشاره با یک حرکت کمائی ساخته شوند. ترتیب‌های واژگانی ممکن/مجاز برای استفاده از ضمایر شخصی در مفهوم مالکیت به صورت مایملک-ضمیر می‌باشد. به شکل‌های ۱ تا ۴ توجه کنید.

یافته‌های این پژوهش چگونگی ساخت مالکیت در زبان اشاره ایرانی را نشان می‌دهد. نشانه‌گذاری مالکیت به روش انتسابی و گزاره‌ای و استفاده از فضای اشاره‌ای، در زبان اشاره ایرانی صورت می‌گیرد که در ادامه شرح داده می‌شوند.

مالکیت انتسابی در زبان اشاره ایرانی: در این ساخت، رابطه مالک و مایملک را می‌توان به صورت گروه اسمی بیان کرد و مالک می‌تواند اسم یا ضمیر باشد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که در زبان اشاره ایرانی امکان استفاده از ضمایر شخصی منفصل در ساخت‌های اضافی (مانند معلم تو) هست و در این پژوهش هیچ‌گونه مجموعه جداگانه‌ای



شکل ۱. ساخت مالکیت با مالک ضمیری: معلم تو

^۱ sign space

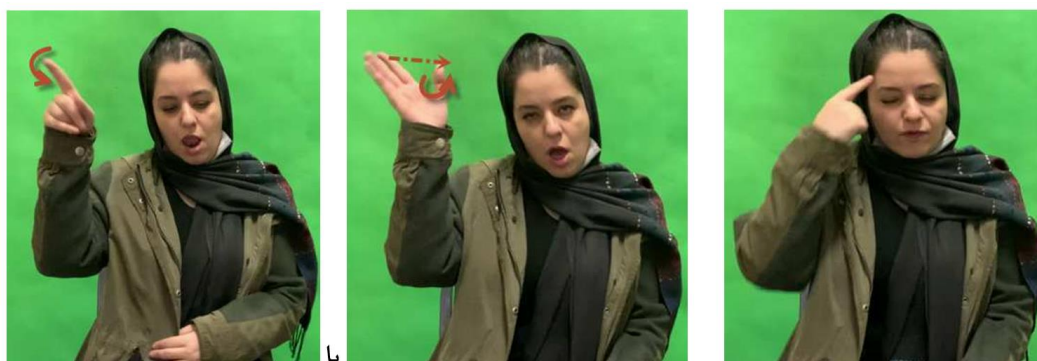


من

من

کیف

شکل ۲. ساخت مالکیت با مالک ضمیری: کیف من (ضمیر من در دو حالت نشان داده شد، تفاوتی در تغییر مفهوم و ساخت مشاهده نشد)



آنها

آنها

فکر

شکل ۳. ساخت مالکیت با مالک ضمیری: فکر آنها (ضمیر آنها در دو حالت نشان داده شد، تفاوتی در تغییر مفهوم و ساخت مشاهده نشد)



او

خاله

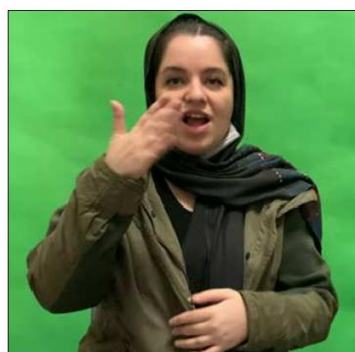
شکل ۴. ساخت مالکیت با مالک ضمیری: خاله او

همان‌طور که در نمونه‌ها هم مشاهده می‌شود، تفاوتی در استفاده از ضمیر شخصی به‌عنوان مالک ضمیری (ضمیر ملکی) در ساخت مالکیت با مایملک جاندار، بی‌جان، انتقال‌پذیر، غیرانتقال‌پذیر و انتزاعی وجود ندارد. همچنین داده‌ها نشان دادند که ضمیر مشترک خود-صیغگان شش ۵ تا ۷ توجه کنید. در مفهوم مالکیت نیز به صورت مایملک-ضمیر می‌باشد. به شکل‌های دارد. ترتیب‌های واژگانی ممکن/مجاز برای استفاده از ضمائر مشترک نکته مهم این است که این ضمیر در مفهوم مالکیت تأکیدی نیز کاربرد شخص- به‌عنوان مالک در ساخت مالکیت می‌تواند استفاده شود، اما



مالک و مایملک دقیقاً در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند و هیچ‌گونه نشانه‌گذاری ملکی‌نمایی انجام نمی‌شود. البته در ساخت مالکیت انتسابی با مالک اسمی، ترتیب مجاورت مالک و مایملک معمولاً مایملک-مالک است (شکل‌های ۸) که می‌تواند در برخی بافت‌ها متفاوت باشد.

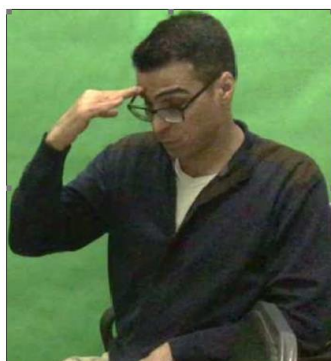
با مایملک جاندار، بی‌جان، انتقال‌پذیر، غیرانتقال‌پذیر و انتزاعی وجود ندارد و در همه موارد ضمیر مشترک می‌تواند در مفهوم مالکیت به کار رود، مانند ساخت‌های: فکر خودت، شلوار خودشان و مامان خودش. رابطه مالکیت بین یک مالک اسمی و یک مایملک اسمی را به روش‌های مختلفی نشان داده می‌شود. در زبان اشاره ایرانی، اشاره‌های



ایران



پرچم



پلیس



کلاه



دختر



مو



عمو



پسر



آنها



فکر

شکل ۸. ترتیب مایملک-مالک در ساخت مالکیت انتسابی با مالک اسمی

اما این مورد نیز مشاهده شد که هرگاه رابطه مالک و مایملک رابطه جزء به کل باشد، ترتیب مجاورت در ساخت مالکیت به شکل مالک-مایملک هم می‌تواند باشد (شکل ۹).



چرخ

موتور



برگ

درخت

شکل ۹. ترتیب مالک-مایملک در ساخت مالکیت انتسابی با مالک اسمی در ساخت جزء به کل: چرخ موتور و برگ درخت

خاصی صحبت می‌کنیم و سپس در ادامه می‌گوییم که آن شخص چه چیزی دارد. در موارد پیش‌نمونه‌ای ساخت-داشتن، مالک، انسان و مشخص است، درحالی‌که مایملک بی‌جان و نامشخص است، مانند: همسایه ما باغ دارد یا من کارت بانکی دارم و غیره. در این پایه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین الگو، مایملک بدون صفت و کمیت‌نما ظاهر می‌شود. این الگو در زبان اشاره ایرانی هم مشاهده گردید، مانند شکل ۱۰.

مالکیت‌گزاره‌ای در زبان اشاره ایرانی: در زبان اشاره ایرانی ساخت-داشتن (ساخت-have) پایه و ساخت-تعلق‌داشتن (ساخت-belong)، در مفهوم مالکیت‌گزاره‌ای به کار می‌روند. شایان ذکر است مانند هر زبان اشاره دیگری، اشاره‌های دستی و غیردستی برای بیان مفاهیم و موضوعات مختلف در کنار هم کاربرد دارند. برای مفهوم داشتن، تمرکز پاره‌گفتار بر مالک است؛ برای مثال، ما درباره شخص



دارد.

کلاه

مرد

اسب

شکل ۱۰. ساخت-داشتن: مرد اسب‌سوار کلاه دارد.

صورت بی نشان قرارگیری بعد از مایملک است. برخی اشاره‌گران ضمن بیان عدد بعد از مایملک، اشاره آخر گزاره ملکی را حذف کردند (من عمه پنج) که می‌توان این مفهوم را هم از این ساخت زبانی استنباط کرد: «من، پنج تا عمه»، «عمه‌های من پنج تا هستند».

گاهی در ساخت داشتن مایملک توصیف شده (مانند ترکیب صفت و مایملک) یا دارای کمیت‌نما (مانند ترکیب عدد و مایملک) است، به شکل ۱۱ نگاه کنید. نکته شایان ذکر این است که اشاره عدد در قبل یا بعد از مایملک، بسته به بافت و میزان تأکید قرار می‌گیرد. ظاهراً



دارم عمه (من) پنج

شکل ۱۱. ساخت-داشتن و مایملک دارای کمیت‌نما: من پنج عمه دارم.

معنا هم دارای مشکل نیست. شکل ۱۲ نمونه‌ای دیگر از حذف حرکت مچ دست نمایانگر مفهوم داشتن می‌باشد.

پس ذکر این نکته لازم است که گاهی اگر تأکیدی در بند وجود نداشته باشد، شکل دست، یعنی حرکت مچ دست از بالا رو به پایین، که نشان‌دهنده صورت مثبت مالکیت است، اجرا نمی‌شود و البته انتقال



خال خال خال لباس (روی لباس) خرس

شکل ۱۲. ساخت-داشتن و حذف فعل در انتهای بند: لباس خرس خال خال دارد.

ساخت‌های مالکیت با مفهوم داشتن طبقه‌بندی می‌کنند (۸). در شکل ۱۳، اشاره‌گر، داشتن خال بر روی بال پروانه را با حرکت مچ دست رو به پایین و نداشتن آن را با حرکت مچ دست رو به بالا نمایش می‌دهد. این اشاره‌ها می‌توانند به عنوان بودن یا نبودن خال روی بال پروانه در مفهوم مالکیت (پروانه مالک و خال روی بال مایملک آن) هم تفسیر شوند که در نهایت مفهوم مالکیت را نمایان می‌کند.

همانطور که در شکل ۱۳ مشاهده می‌شود شکل دست ۵، که برای صورت منفی «نبودن» و «وجود نداشتن» در ساخت‌های منفی (وجودی منفی) به کار می‌رود، در ساخت مالکیت گزاره‌ای هم می‌تواند عدم مالکیت را نشان دهد. به دلیل همپوشانی و استفاده از اشاره‌های مشترک، اشاره‌هایی با حرکت مچ دست رو به بالا و پایین و شکل دست

مطابق مشاهدات پژوهش، در زبان اشاره ایرانی نیز از ساخت وجودی در مفهوم مالکیت استفاده می‌شود. در بخش پیشین گفته شد که در زبان اشاره ایرانی، صورت مثبت مفاهیم «بودن» و «داشتن» با شکل دست (حرکت مچ دست از بالا به پایین) و صورت منفی آن‌ها هم می‌تواند با حرکت مچ دست از پایین به بالا نشان داده شود. این اشاره هم برای بیان مالکیت و هم برای بیان وجود به کار می‌رود. در واقع ادات وجودی در مفهوم مالکیت، با ادات استفاده‌شده در ساخت مالکیت داشتن یکسان هستند. به عبارت دیگر، این اشاره یا به معنای «داشتن» یا «وجود» است، و گاهی می‌توان هر دو معنی وجودی و ملکی را استنباط کرد (شکل ۱۳). این الگو در زبان‌های گفتاری و اشاره متداول است و زشن و پرنیس این ساخت را در زیرمجموعه

ساخت‌های مالکیت که مایملک می‌تواند انتقال‌پذیر (مانند وسایل)، غیرانتقال‌پذیر (مانند واژه‌های خویشاوندی، اعضای بدن و حالات جسمی) یا انتزاعی (مانند وقت) باشد، باز هم تغییری در ساخت اصلی «داشتن» به واسطه تغییر مایملک رخ نمی‌دهد.

o و حرکت دایره‌ای آن، برای نشان‌دادن ساخت‌های مالکیت و وجودی با مفهوم مالکیت، گاهی تفکیک دو ساخت-داشتن و ساخت وجودی در مفهوم مالکیت دشوار می‌شود. بررسی زبان اشاره ایرانی از دیدگاه معناشناختی نشان داد که در انواع



شکل ۱۳. ساخت-داشتن/نداشت: الف- پروانه (روی بال) خال (روی بال) خال دارد/هست. ب- پروانه (روی بال) خال (روی بال) خال ندارد/نیست.

می‌شود. تغییر جایگاه مالک و مایملک در مقایسه با ساخت «داشتن» مشهود است (شکل ۱۴). استفاده از این ساخت برای مالکیت انتقال‌ناپذیر و انتزاعی در داده‌های این پژوهش مشاهده نشد.

ساخت خاصی در زبان اشاره ایرانی مشاهده شد که به ساخت «مال کسی بودن» در زبان فارسی شباهت دارد و می‌توان آن را ساخت-تعلق‌داشتن شناسایی کرد. در این ساخت، بعد از اشاره مایملک، چهار انگشت دست راست روی گردن قرار می‌گیرند و سپس به مالک اشاره



شکل ۱۴. ساخت-تعلق‌داشتن: الف- عصا مال پیرمرد (است).

آن اندام مفهوم «سر من» یا «دل من» و غیره را می‌رساند. به شکل ۱۵ نگاه کنید. به جای «گلولی من» (گلولم) یا «گوش من» (گوشم)، تنها نشان دادن این اندام‌ها روی بدن خود اشاره‌گر مفهوم مالکیت اول شخص را می‌رساند، مگر در مواردی که جنبه تأکیدی وجود داشته باشد و شخص به صورت نشان دادن ضمیر من به خودش اشاره کند.

- نشانه‌گذاری فضای اشاره‌ای در ساخت مالکیت: در زبان اشاره ایرانی، سازوکار استفاده از فضای اشاره‌ای در ساخت مالکیت وجود دارد. این موضوع در چند نمونه زیر شرح داده می‌شود. معمولاً اشاره‌گران وقتی می‌خواهند اندام‌های بدن یا وجود دردی را در نقطه‌ای از بدن خود نشان دهند، بعد از اشاره مرتبط (که مایملک محسوب می‌شود) از ضمیر شخصی «من» در مفهوم مالکیت استفاده نمی‌کنند و صرفاً نشان دادن



گلولم

گوش

شکل ۱۵. نشان دادن گوش و گلول روی بدن خود اشاره‌گر، بیانگر مفهوم مالکیت، اول شخص: گلولی من (گلولم) یا گوش من (گوشم)

افراد را بیان کرده و سپس فضای اشاره‌ای متعلق به دختر را نشان می‌دادند. در شکل ۱۶ انگشت اشاره دست چپ، نشانگر مالک تعریف شده (دختر) است. اشاره‌گر بعد از اشاره «پدر» آن را نشان می‌دهد که مفهوم پدر دختر را بیان می‌کند.

در بین محرک‌های تصویری این پژوهش، تصویر یک خانواده وجود داشت که اشاره‌گران باید نسبت خویشاوندی افراد را با دختر مشخص شده بیان می‌کردند. بیشتر اشاره‌گران تعریفی از دختر را ارائه نمودند و فضای اشاره‌ای خاصی را به وی اختصاص دادند. آن‌ها نسبت



دختر

بابا/پدر

شکل ۱۶. ساخت مالکیت پدر دختر

۴ بحث

منفصل) برای مالکیت ندارد و از ضمایر شخصی و مشترک (همراه با صیغگان آن‌ها) در مفهوم ملکی بدون تمایز در جنسیت استفاده می‌کند. در پژوهش زشن و پرنیس از بین ۲۶ زبان مطالعه شده تنها پنج زبان اشاره مانند زبان اشاره ایرانی از ضمایر ملکی متمایز از لحاظ شکلی استفاده نمی‌کردند. این پنج زبان متعلق به زبان‌های اشاره آسیای شرقی (چین، ژاپن، کره) و زبان‌های اشاره در اجتماعات

این پژوهش با هدف بررسی زبان اشاره ناشنایان ایرانی در مقوله مالکیت انجام شد. داده‌های پژوهش نشان دادند که زبان اشاره ایرانی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را با زبان‌های اشاره مطالعه شده توسط زشن و پرنیس، دارد که بیانگر تنوع زبانی بین زبان‌های اشاره است. مقوله مالکیت در زبان اشاره ایرانی هم به شکل انتسابی و هم گزاره‌ای مشاهده شدند. این زبان فهرست جداگانه‌ای از ضمایر (متصل و

روستایی (کاتا کولوک^۱، آداموروب^۲) هستند (۱۰).

شکل دست در ضمایر مشترک معمولاً مشابه شکل دست ضمایر شخصی است، به جز آن که بیشتر مواقع از همه انگشتان دست، اما در همان فضای اشاره‌ای ضمایر شخصی مورد نظر، استفاده می‌شود. این شکل دست یکی از سه شکل دستی است که زشن و پرنیس در پژوهش خود به عنوان شکل دست‌های متداول برای نشان دادن مفهوم مالکیت در زبان‌های اشاره گزاره‌اند (۱۰). همچنین از دید معناشناختی تفاوتی در استفاده از ضمایر شخصی و ضمایر مشترک به عنوان مالک ضمیری در ساخت مالکیت با مایملک جاندار، بی‌جان، انتقال‌پذیر، غیرانتقال‌پذیر و انتزاعی وجود نداشت. در داده‌های زشن و پرنیس هم شواهد کمی برای استفاده از ساخت‌های متفاوت برای مالکیت انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر در زبان‌های اشاره وجود داشته است (۱۰). زبان اشاره ایرانی از نشانه‌گذاری آشکار مالکیت در گروه‌های اسمی استفاده نمی‌کند. ترتیب‌های واژگانی ممکن/مجاز در ساخت مالکیت انتسابی، معمولاً مایملک-مالک است که مانند زبان اشاره زبان هندو-پاکستانی و متفاوت با زبان‌های اشاره‌ای مانند زبان اشاره آمریکایی و زبان اشاره انگلیسی است (۱۴، ۱۵). نکته دیگر آن است که زبان اشاره ایرانی در رابطه ملکی جزء به کل، ترتیب مایملک-مالک دارد. گیتی و سیاوشی هم به موضوع ترتیب متغیر مالک و مایملک در زبان اشاره ایرانی اشاره کرده‌اند (۱۳). همچنین به عقیده سیاوشی، ترتیب مضاف و مضاف‌الیه در گروه اسمی در زبان اشاره ایرانی با مفهوم مالکیت به این صورت است که ابتدا مضاف‌الیه و سپس مضاف می‌آید. به این ترتیب به غیر از ساخت مالکیت در رابطه جزء‌واژگی، ترتیب مالک و مایملک، در زبان اشاره ایرانی متفاوت با نظر ایشان است (۱۶). همچنین دو نوع مالکیت گزاره‌ای ساخت-داشتن و ساخت-تعلق‌داشتن، همچنین کاربرد ادات وجودی در مفهوم مالکیت در داده‌های پژوهش مشاهده گردید. در ساخت مالکیت داشتن، ترتیب مالک-محمول-مایملک و در ساخت تعلق‌داشتن ترتیب مایملک-مال-مالک-محمول (محمول ربطی قابل حذف) را داریم. بسیاری از زبان‌های اشاره، اداتی را استفاده می‌کنند که بیان‌گر هر دو مفهوم وجودداشتن و مالکیت هستند (ادات وجودی). این موضوع درباره زبان اشاره ایرانی هم صدق می‌کند. زشن به عنوان نمونه برای صحبت درباره کاربرد ادات وجودی در ساخت مالکیت که دربرگیرنده مفهوم مالکیت (داشتن) هستند، در کنار زبان‌های اشاره هندو-پاکستانی، ترکیه‌ای، روسی، آمریکایی، انگلیسی، کاتالونیایی، آلمانی، اردنی و چینی، از زبان اشاره ایرانی نام می‌برد (۱۱). بیان این نکته لازم است که به علت وجود اشاره مشترک برای نشان دادن فعل‌های وجودی و داشتن (حرکت میج دست از بالا به پایین) و امکان حذف این افعال، همچنین استفاده نکردن از افعال ربطی (بودن) به طور معمول توسط اشاره‌گران ایرانی، تمایز ساخت‌های مالکیت، وجودی و مکانی (که مایملک در جایگاه مالک است) از یکدیگر مشکل به نظر می‌رسد. در زبان اشاره کره جنوبی از اشاره‌های برداشتن یا گرفتن برای بیان مفهوم مالکیت استفاده می‌شود (۱۱) که در زبان اشاره ایرانی مشاهده نشد. علاوه بر این‌ها همانند

یافته‌های زشن و پرنیس (۱۰)، به نظر تغییر مقوله مایملک و نوع مالکیت (انتقال‌پذیر، انتقال‌ناپذیر یا انتزاعی) باعث تغییر ساخت مالکیت گزاره‌ای «داشتن» و «وجودی» (در مفهوم مالکیت) در زبان اشاره ایرانی نمی‌شود؛ ولی معمولاً ساخت تعلق‌داشتن برای واژه‌های خویشاوندی، مفاهیم انتزاعی یا بیماری‌ها و اعضای بدن هم به کار نمی‌رود. زبان اشاره ایرانی از تغییرات در فضای اشاره به صورت نشان دادن مکان‌های مختلف و مالک برای ساخت مالکیت استفاده می‌کند؛ مانند نشان دادن وجود درد در اندام‌های بدن، نشان دادن نسبت فامیلی با یک شخص. این نوع از کاربرد فضای اشاره در ساخت مالکیت، در بسیار از زبان‌های اشاره از جمله در زبان اشاره آمریکایی (۱۴)، اردنی (۱۷) و ژاپنی (۱۸) مشاهده شده است. در زبان اشاره ایرانی مانند اغلب زبان‌های اشاره، تغییر در فضای اشاره، هنگام کاربرد ضمایر با مفهوم مالکیت رخ می‌دهد؛ به طوری که دست/دست‌ها می‌توانند در فضا جابه‌جا شود تا مکان‌ها/مرجع‌هایی غیر از اشاره‌گر را نشانه‌گذاری^۳ کند. همانند گفته لیو-مارتین و سندلر، اشاره‌گر برای اول شخص مفرد، انگشت اشاره را به سمت خودش و برای دوم شخص مفرد به سمت مخاطب و ... اشاره می‌کند (۱۹). به این ترتیب زبان اشاره ایرانی (گونه تهرانی) در کنار زبان‌های اشاره‌ای قرار می‌گیرد که درجه بالایی از تغییرات فضایی را در ساخت مالکیت اجازه می‌دهند. زبان‌های اشاره کشورهای انگلستان، آلمان، اتریش، ونزوئلا، اوگاندا، غنا، چین و کره جنوبی دارای درجه بالایی از تغییرات در فضای اشاره برای نشانه‌گذاری ساخت مالکیت هستند (۱۰). همچنین قابل توجه است که تعدادی از اشاره‌های مالکیت در زبان‌های مختلف از طریق تماس با بدن بیان می‌شوند، همان‌طور که در برخی از شکل‌های بالا مشاهده می‌شود. همین امر در زبان اشاره فلاندري (۲۰) و زبان اشاره آمریکایی (۱۴) نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که بدن امضاکننده را به عنوان مکان مالک اولیه که وجود کالای مالکیت به آن محمول می‌شود، نشان می‌دهد.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی داشت؛ هماهنگی برای شرکت آزمودنی‌ها در پژوهش و عدم دسترسی به منابع مطالعاتی به دلیل بروز بیماری کووید ۱۹ از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر به شمار می‌آمد. علاوه بر این جدید بودن موضوع، فقر پژوهش‌ها و منابع مرتبط با زبان اشاره ایرانی، نبود منابع فارسی مرتبط با زبان‌های اشاره، عدم دسترسی آسان به مقالات و کتاب‌های خارجی و تعداد کم افراد صاحب‌نظر در این حوزه دشواری‌های را فراهم نمود.

۵ نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که زبان اشاره ناشنوایان ایرانی (گونه تهرانی) در حوزه مالکیت مانند هر زبان طبیعی دیگر دارای ابزارهای زبانی برای رمزگذاری مفهوم مالکیت است و ساخت دستوری مستقلی در این مقوله دارد.

۶ تشکر و قدردانی

از خانم دکتر سیاوشی، خانم فرزانه سلیمان بیگی، آقای دکتر قهرمان،

³ Marking

¹ Kata Kolok

² Adamorobe

آقای دکتر گیتی و خانم گیتی بابت همه همراهی‌ها و راهنمایی‌هایشان سپاسگزاریم، همین‌طور تشکر خاص داریم از دوستان ناشنوایی که بی‌چشم‌داشت در این پژوهش حضور داشتند.

7 بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این پژوهش دارای شناسه اخلاق 259IR.ATU.REC.1401 ثبت شده در سامانه اخلاق در پژوهش‌های زیست پزشکی و صادر شده توسط دانشگاه علامه طباطبائی (کمیته اخلاق در پژوهش) می‌باشد. ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت شد؛ بدین‌گونه که شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها کاملاً با رضایت آن‌ها انجام پذیرفت. اجازه استفاده از تصاویر ایشان در نوشتگان پژوهش گرفته شد. هرکدام از شرکت‌کنندگان آزاد بودند در هر مرحله از پژوهش در صورت نداشتن رضایت، از فرایند پژوهش خارج شوند. یک مترجم زبان اشاره تمام مدت در هنگام جمع‌آوری داده‌ها کنار پژوهشگر و شرکت‌کنندگان بود.

رضایت برای انتشار

اجازه استفاده از تصاویر شرکت‌کنندگان در نوشتگان پژوهش گرفته شد.

تضاد منافع

اعلام می‌شود که هیچ‌گونه تضاد منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع مالی

این پژوهش بخشی از رساله دکتری خانم لیلا فیاضی است و بدون حمایت مالی نهاد، مؤسسه یا سازمانی انجام شده است.

دسترسی‌بودن داده‌ها و مواد

همه نویسندگان مقاله به داده‌های پژوهش دسترسی دارند و پژوهشگران می‌توانند در صورت لزوم از طریق مکاتبه با نویسنده مسئول مقاله حاضر به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان در تمامی مراحل انجام پژوهش مشارکت داشتند. بدین‌صورت که نویسنده اول ایده پژوهشی را مطرح کرد. مراحل اجرا توسط نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم انجام شد. نویسندگان دوم و سوم مشاوره علمی پژوهش بودند. نوشتن این مقاله پژوهشی بر عهده نفر اول با راهنمایی و اعمال نظر نویسندگان اول، دوم و سوم بود. تمامی نویسندگان پیش از ارسال، مقاله را خواندند و نظرات خویش را اعمال کردند.

References

- Loos C. A typological view of possessive constructions in Sign Language of the Netherlands. In: Proceedings from the 13th meeting of the Texas Linguistics Society. 2012.
- Croft W. Typology and universals. Cambridge University Press; 2002.
- Stassen L. Predicative possession. Oxford University Press, USA; 2009, pp: 26.
- Herslund M. Possession. Cognitive Sources, Forces and Grammaticalization. JSTOR; 1999;pp:9-10.
- Homeida M. The Negligence of Deaf Community Sign Language among the Hearing Community [PhD Thesis]. MA thesis. SUST University; 2015.
- Klima ES, Bellugi U. The signs of language. Harvard University Press; 1979.
- Battison R. Lexical borrowing in American sign language. 1978.
- World Health Organization (WHO) [Internet]. [cited 2023 Jun 14]. Available from: <https://www.who.int/>
- Firouzbakht M, Eftekhari Ardebili H, Majlesi F, Rahimi A, Ansari Dezfooli M, Esmailzadeh M. Prevalence of neonatal hearing impairment in province capitals. sjsph 2008; 5 (4): 1-9. [Persian] <http://sjsph.tums.ac.ir/article-1-155-fa.html>
- Perniss PM, Zeshan U. Possessive and existential constructions: Introduction and overview. In: Possessive and existential constructions in sign languages. Ishara Press; 2008. p. 1-31.
- Zeshan U. Roots, leaves and branches-The typology of sign languages. In Florianopolis, Brazil: Petropolis: Editoria Arara Azul; 2006. p. 682-3.
- Ghahri Z. Investigating the construction of deaf language words in Persian language. [Thesis for MD General linguistics]. [Tehran, Iran]: Payam Noor University; 2014. [Persian]
- Guity A, Siavoshi S. The deaf book. [Tehran, Iran]: Nevisheh Parsi; 2020, pp:162. [Persian]
- Pichler DC, Schalber K, Hochgesang J, Milkovic M, Wilbur RB, Vulje M, et al. Possession and existence in three sign languages. Sign Lang Spinn Unraveling Past Present Future TISLR. 2008;9:440-58.
- Cormier K, Fenlon J. Possession in the visual-gestural modality: How possession is expressed in British Sign Language. Expr Possess. 2009;389-422. <https://doi.org/10.1515/9783110213232.389>
- Siavoshi S. A Look at the sign's construction and Their Coexistence in Persian Sign Language [Thesis for MD. General linguistics]. [Tehran, Iran]: Allameh Tabatabai' University; 2005. [Persian]
- Hendriks B. I have therefore I exist: Possession in Jordanian Sign Language. Possess Existent Constr Sign Lang Sign Lang Typology Ser. 2008;(2).
- Morgan M. Expressing possession and existence in Japanese sign language. Possess Existent Constr Sign Lang. 2008;(2):71-104.
- Sandler W, Lillo-Martin D. Sign language and linguistic universals. Cambridge University Press; 2006, pp: 28.
- De Weerd D, Vermeerbergen M. Observations on possessive and existential constructions in Flemish Sign Language. Possessive and existential constructions in sign languages. 2008;195-212.